

گزیده‌ای از متن دفاعیات پرولتر کمونیست انقلابی هوشنگ تره گل به پیشباز روز جهانی کارگر

گزیده‌ای از متن پرولتر کمونیست انقلابی هوشنگ تره گل از بنیان‌گذاران "گروه آرمان خلق" در بی‌دادگاه نظامی رژیم شاه:

« بارها از من سؤال شده که منظور تو از اعمال و رفتاری که انجام داده‌ای چه بود؟ پاسخ می‌دهم: من به خاطر ایجاد یک سازمان انقلابی فعالیت و تلاش کرده‌ام. زیرا همانطور که منطق و تجربیات تاریخی و مبارزات ملت ما ثابت مرده است هیچ مبارزهای نمی‌تواند به پیروزی برسد مگر با داشتن تشکیلات محکم، منضبط و انقلابی. وجود یا عدم وجود چنین تشکیلات انقلابی در حد خود تعیین‌کننده پیروزی یا شکست نهضت‌های انقلابی در کشورهایی چون ما است. هدف من از این همه فعالیت به خاطر ایجاد سازمانی وسیع و انقلابی با انضباطی سخت و آهنین در سراسر ایران بوده. آنچنان سازمانی که از فعال‌ترین، آگاه‌ترین و مؤمن‌ترین افراد به وجود آمده و اداره شود. تا روزی که در کشور ما چنین سازمانی به وجود نیامده و نباید امکان هر نوع مبارزهای میسر نخواهد بود. با این توضیحات درست است که من در این مسیر موفق نشده‌ام ولی عدم موفقیت من یا هر کس دیگر در این راه نمی‌تواند نافی قوانین انقلاب باشد. من در نظر داشتم با تکثیر آثار مارکسیستی لنینیستی اولین قدم را به خاطر ایجاد چنین سازمانی بردارم زیرا در طی تجربیات متعددی دریافته‌ام تا مبارزین ما به مارکسیسم-لنینیسم، یعنی چکیده‌ی تجربیات و منطق علمی توده‌های زحمتکش در کوران مبارزات اجتماعی و در مبارزه علیه ستمگران دست نیابند در موقعیت کنونی که امپریالیسم با انبانی از تجربیات فوق‌الذکر به کلیه ارتجاعیون جهان هیچ‌گونه دریغی ندارد، مبارزان ما نمی‌توانند قدمی ثابت و استوار در مسیر انقلاب و آزادی مردم ایران بردارند. لذا وظیفه‌ی کلیه روشنفکران انقلابی ایران است که به‌خاطر مبارزه با هرگونه کج‌روی و تکروری و تقسیم‌لُزوم ایجاد سازمانی مارکسیستی لنینیستی با خصلت انقلابی هر چه بیشتر و بیشتر در اشاعه و فراگیری قوانین عام دانش مارکسیست-لنینیست بکوشند. تا بدین وسیله به تجربیات خلق ما در امر مبارزه افزوده گردد. این تنها وظیفه‌ی کنونی ما و همزمان فداکاری انقلابی ما است که بایستی آن را دنبال کنیم. تا زمانی که یک سازمان انقلابی به وجود نیامده است مطالعه در امر مبارزه و شکست‌های پی‌درپی خلق‌های ما وظیفه مهمی شمرده می‌شود. ما می‌بایستی ماهیت مبارزه و علت آن را شناخته و راهش را به‌درستی فراگیریم. این هدف میرم و ضروری برابر زمان فعلی ما است. در تاریخ مبارزات ملی مراحل مختلفی وجود دارد که اذهان عموم را متوجه‌ی خویش می‌کند و افراد به‌زودی درمی‌یابند که هیچ مبارزهای به پیروزی نهایی نمی‌رسد مگر با عبور از مراحل که ذکر خواهد شد. »

اسامی گروه آرمان خلق و احکام صادره توسط دادگاه نظامی شاه:

۱- همایون کتیرایی*: دانشجوی دانشکده ادبیات تبریز- در زیر شکنجه جان باخت

۲- هوشنگ تره گل: کارگر آرایشگر، سلمان- اعدام

۳- بهرام طاهرزاده: دانشجوی سابق و سپاهی دانش- اعدام

۴- ناصر کریمی: کارگر فنی شرکت نورد اهواز- اعدام

۵- ناصر مدنی: دانش‌آموز سال ششم دبیرستان- اعدام

۶- حسین کریمی: در جریان مبارزه در سال ۱۳۴۹ جان باخت.

۷- محمد حسن دست‌پرورده- دانش‌آموز سال ششم ریاضی- حبس ابد با اعمال شاقه

۸- محمد حقیقت: دانشجوی دانشکده ادبیات تبریز- ۱۰ سال زندان

۹- عبدالله جاویدی: دانشجوی دانشکده ادبیات تبریز- ۵ سال زندان

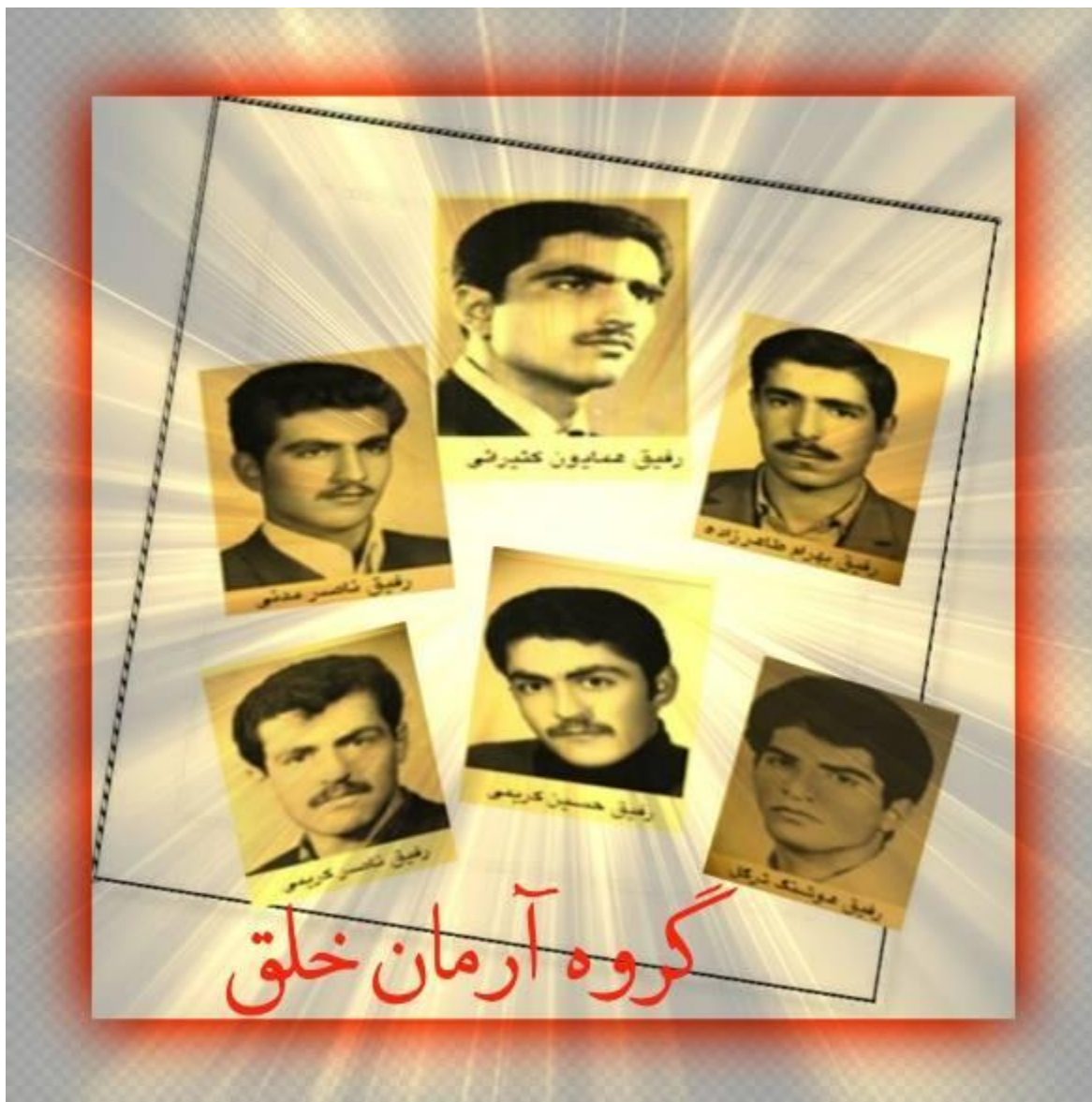
۱۰- خیرالله سلیمی: کارمند اداره آموزش و پرورش- ۳ سال زندان

احکام اعدام ۵ نفر ردیف اول در ۱۷ مهرماه ۱۳۵۰ اجرا شد.

* در حین شکنجه‌ی کتیرایی، حسین زاده این جلاد ساواک یک اجاق برقی به اتاق شکنجه آورده و برای در هم شکستن همایون می‌گوید با باید همه اطلاعات خود را بدهی و با ما همکاری کنی یا تو را با این اجاق می‌سوزانیم. در پاسخ به این جسارت بی‌شرمانه همایون خود برخاسته و روی

صندلی ای می‌نشینند که اجاق زیر آن قرار داشت. این عکس‌العمل جسورانه همایون باعث می‌شود که به‌جای وی، حسین زاده نژخیم ساواک در هم شکسته و اتاق بازجویی را با بدویبراه به خود ترک کند. پایداری و ایستادگی همایون در برابر تمامی شکنجه‌های وحشیانه ساواک، او را به یکی از سمبل‌های مقاومت مبارزان در سراسر زندانها تبدیل کرد از همین رو زندانیان سیاسی آن سالها، هر روز در ورزش‌های جمعی خود، یکی از حرکات ابتکاری همایون را به نام او ثبت کرده و به یادش انجام می‌دادند.

** گروه «آرمان خلق» از طریق مرد هزارچهره عباس شهریاری در تور ساواک افتادند و اعدام شدند. هوشنگ تره‌گل، بهرام طاهرزاده، همایون کتیرایی، ناصر کریمی و احتمالاً غلامرضا اُسترنانی متعلق به آرمان خلق بودند که شهریاری آنان را به زیر تیغ ساواک کشید.



برخلاف اوضاع و احوال کنونی حاکم بر روحیه بسیاری که خود را چپ می‌نامند رفقای نسل قدیم در هدف خود به‌سوی ایجاد جامعه نوین در یک انقلاب کمونیستی شک و تردیدی نداشتند.

آرمان‌گرا بودند. و تا پای جان بر آرمان و هدفشان ایستادگی می‌کردند. از طبقات حاکم طلب بخشش و عفو نمی‌کردند. عافیت‌طلب نبودند. چالشگر و منتقد بودند اما لبه‌ی تیز حمله‌شان در مرتبه اول و اساساً متوجه دشمن طبقاتی و روابط تولیدی حاکم بر جامعه بود. شک و تردید نسبت به همه‌چیز و همه‌کس حتی در اصول انقلاب تولید نمی‌نمودند. با ارتجاع و امپریالیسم سرسازش نداشتند. چون هر دو را عمیقاً شناخته بودند. منتظر "رأفت" ارباب ارتجاع داخلی، یعنی امپریالیسم نبودند.

آن‌ها اهل باندبازی و توطئه‌پینی علیه رفقای دیگری که موافق نظراتشان نبودند، نبودند. در صورت نقد نظراتشان و پیدا شدن اختلاف سیاسی، فوراً جبهه عوض نمی‌نمودند که دیگران را برای "نقد" و کوبیدن مخالفانشان تحریک کنند.

آن‌ها مبارزه سیاسی ایدئولوژیکی (نقد رادیکال علمی و نه من‌درآوردی و غیر علمی) را در فضای سالم و رفیقانه به‌پیش می‌بردند. بامطالعه و تحقیق در مورد مسائل کلان پیش‌اروی اعلام موضع می‌کردند.

آن‌ها انقلاب را مجلس مهمانی، رفیق‌بازی، مقاله‌نویسی و شعر نویسی نمی‌دیدند.

آن‌ها احتیاجی به خردوخمیر و کوچک کردن دیگران و مردم ناآگاه برای بزرگ کردن خویش نداشتند. آن‌ها خود کمونیست‌های انقلابی و بزرگان عصر خویش بودند. معلمین بی‌دستور بودند! با مروجیم پاسیویسم و اشاعه دهندگان شک و تردید مبارزه‌ی سختی نمودند، تا آنجا که مهر رادیکالیسم انقلابی کمونیسم را بر فضای تسلیم‌طلبی و خیانت و رویزیونیسم و پوپولیسم لیسیسم نهادینه نمودند.

آن‌ها از مشکلات نمی‌هراسیدند. از مشکلات کوه نمی‌ساختند. کاه را همچون کوه صعب‌العبور نمی‌دیدند. بلکه برای حل مشکلات به‌طور مستمر فکر می‌کردند تا راحل علمی و صحیح برای رفع مشکلات را بیابند.

دروود سرخ بر آنان.

دروود سرخ بر آرمان‌گرایی و راهشان.

بگذار درفش آرمان‌گرایی آن‌ها را برافشانیم و در راه سرخشان برای به وجود آوردن جامعه‌ی نوین سوسیالیستی برای محو ستم و استثمار در یک انقلاب کمونیستی قدم گذارند، پیش رویم.

برهان عظیمی

۲۷ فروردین ۱۳۹۴